



دانشگاه شاهرود
پایه

توسعه برنامه درسی در دوران پست مدرن

دکتر اکبر جدیدی محمدآبادی

امروز کتابخوانی و علم‌آموزی نه تنها یک وظیفه‌ی ملی، که یک واجب دینی است.^۱

مقام معظم رهبری

در عصر حاضر یکی از شاخصه‌های ارزیابی رشد، توسعه و پیشرفت فرهنگی هر کشوری میزان تولید کتاب، مطالعه و کتابخوانی مردم آن مرز و بوم است. ایران اسلامی نیز از دیرباز تاکنون با داشتن تمدنی چندهزارساله و مراکز متعدد علمی، فرهنگی، کتابخانه‌های معتبر، علما و دانشمندان بزرگ با آثار ارزشمند تاریخی، سرآمد دولت‌ها و ملت‌های دیگر بوده و در عرصه فرهنگ و تمدن جهانی به‌سان خورشیدی تابناک همچنان می‌درخشد و با فرزندان نیک‌نهاد خویش هنرنمایی می‌کند. چه کسی است که در دنیا با دانشمندان فرزانه و نام‌آور ایرانی همچون ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی، فارابی، خوارزمی و ... همچنین شاعران برجسته‌ای نظیر فردوسی، سعدی، مولوی، حافظ و ... آشنا نباشد و در مقابل عظمت آنها سر تعظیم فرود نیاورد. تمامی این افتخارات ارزشمند، برگرفته از میزان عشق و علاقه فراوان ملت ما به فراگیری علم و دانش از طریق خواندن و مطالعه منابع و کتاب‌های گوناگون است. به شکرانه الهی، تاریخ و گذشته ما، همیشه درخشان و پر بار است. ولی اکنون در این زمینه در چه جایگاهی قرار داریم؟ آمار و ارقام ارائه‌شده از سوی مجامع و سازمان‌های فرهنگی در مورد سرانه مطالعه هر ایرانی، برایمان چندان امیدوارکننده نمی‌باشد.

کتاب، دروازه‌ای به سوی گستره دانش و معرفت است و کتاب خوب، یکی از بهترین ابزارهای کمال بشری است. همه دستاوردهای بشر در سراسر عمر جهان، تا آنجا که قابل کتابت بوده است، در میان دست‌نوشته‌هایی است که انسان‌ها پدید آورده و می‌آورند. در این مجموعه بی‌نظیر، تعالیم الهی، درس‌های پیامبران به بشر، و همچنین علوم مختلفی است که سعادت بشر بدون آگاهی از آنها امکان‌پذیر نیست. کسی که با دنیای زیبا و زندگی‌بخش کتاب ارتباط ندارد بی‌شک از مهم‌ترین دستاورد انسانی و نیز از بیشترین معارف الهی و بشری محروم است. با این دیدگاه، به‌روشنی می‌توان ارزش و مفهوم رمزی عمیق در این حقیقت تاریخی را دریافت که اولین خطاب خداوند متعال به پیامبر گرامی اسلام (ص) این است که «بخوان!» و در اولین سوره‌ای که بر آن فرستاده عظیم‌الشان خداوند، فرود آمده، نام «قلم» به تجلیل یاد

1. <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=2696>

شده است: «إِقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ. الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» در اهمیت عنصر کتاب برای تکامل جامعه انسانی، همین بس که تمامی ادیان آسمانی و رجال بزرگ تاریخ بشری، از طریق کتاب جاودانه مانده اند.

دانشگاه پیام نور با گستره جغرافیایی ایران شمول خود با هدف آموزش برای همه، همه جا و همه وقت، به عنوان دانشگاهی کتاب محور در نظام آموزش عالی کشورمان، افتخار دارد جایگاه اندیشه سازی و خردورزی بخش عظیمی از جوانان جویای علم این مرز و بوم باشد. تلاش فراوانی در ایام طولانی فعالیت این دانشگاه انجام پذیرفته تا با بهره گیری از تجربه های گرانقدر استادان و صاحب نظران برجسته کشورمان، کتاب ها و منابع آموزشی درسی شاخص و خودآموز تولید شود. در آینده هم، این مهم با هدف ارتقای سطح علمی، روزآمدی و توجه بیشتر به نیازهای مخاطبان دانشگاه پیام نور با جدیت ادامه خواهد داشت. به طور قطع استفاده از نظرات استادان، صاحب نظران و دانشجویان محترم، ما را در انجام این وظیفه مهم و خطیر یاری رسان خواهد بود. پیشاپیش از تمامی عزیزانی که با نقد، تصحیح و پیشنهادهای خود ما را در انجام این وظیفه خطیر یاری می رسانند، سپاسگزاری می نمایم. لازم است از تمامی اندیشمندانی که تاکنون دانشگاه پیام نور را منزلگاه اندیشه سازی خود دانسته و ما را در تولید کتاب و محتوای آموزشی درسی یاری نموده اند، صمیمانه قدردانی گردد. موفقیت و بهروزی تمامی دانشجویان و دانش پژوهان عزیز آرزوی همیشگی ما است.

دانشگاه پیام نور

فهرست مطالب

هفت	پیشگفتار
۱	بخش اول: توسعه برنامه‌ریزی درسی به‌عنوان زمینه‌ای از مطالعه
۱	مقدمه
۱۹	فصل اول: مقدمه‌ای بر توسعه برنامه‌درسی، مفهوم‌سازی مجدد و پست‌مدرنیته
۱۹	مقدمه
۴۴	فصل دوم: دیدگاه‌های تاریخی در مورد برنامه‌درسی به‌عنوان یک رشته تحصیلی
۴۴	مقدمه
۶۶	فصل سوم: مدرسه پست‌مدرن، برنامه‌درسی و متون معنوی
۶۶	مقدمه
۱۰۹	بخش دوم: گفتگوهای پیچیده در توسعه برنامه‌درسی معاصر
۱۱۱	فصل چهارم: دایره هرمنوتیک و فرایند تفسیری
۱۱۱	مقدمه
۱۱۲	تفاسیر مختلف از برنامه‌درسی
۱۱۴	مفهوم مدرنیته در برنامه‌درسی
۱۱۵	مفهوم هرمنوتیک
۱۱۷	اهمیت هرمنوتیک
۱۱۹	هرمنوتیک یا واژه‌شناسی؟
۱۲۱	هرمنوتیک و پست‌مدرن
۱۲۳	شش راه برای توصیف هرمنوتیک
۱۲۵	مروری بر دیدگاه‌های هرمنوتیک
۱۲۵	هرمنوتیک سستی
۱۲۶	نشانه‌شناسی
۱۲۷	دیدگاه هرمنوتیکی آکونیناس

۱۲۸	دیدگاه هرمنوتیکی فاکس
۱۳۰	دیدگاه هرمنوتیکی پل ریکو
۱۳۰	دیدگاه هرمنوتیکی گادامر
۱۳۲	نظریه‌های هرمنوتیک
۱۳۲	نظریه هرمنوتیک آگاهی سستی
۱۳۲	نظریه هرمنوتیک و علوم انسانی
۱۳۴	درک هرمنوتیکی در قرن نوزدهم و بیستم
۱۳۵	نظریه پیامدهای هرمنوتیکی هاگرسون و بومن
۱۳۷	جمع‌بندی
۱۳۹	فصل پنجم: فلسفه‌های پست‌مدرن در مطالعات برنامه‌درسی
۱۳۹	مقدمه
۱۵۵	بخش سوم: توسعه برنامه‌درسی در دوران پست‌مدرن
۱۵۷	فصل ششم: زمان و پیچیدگی
۱۵۷	مقدمه
۱۶۹	فصل هفتم: چشم‌اندازی از برنامه‌درسی در دوران پست‌مدرن
۱۶۹	مقدمه
۱۷۰	نقش زیبایی‌شناسی در برنامه‌درسی پست‌مدرن
۱۷۱	برنامه‌درسی به مفهوم شناخت
۱۷۱	برنامه‌درسی به‌عنوان مفهوم هرمنوتیک
۱۷۲	پیچیدگی‌های دیدگاه پست‌مدرن
۱۷۳	توسعه برنامه‌درسی در دوران پست‌مدرن
۱۷۳	استفاده از دیدگاه‌های نوین در برنامه‌درسی پست‌مدرن
۱۷۴	ساختار آموزشی مدرن
۱۷۴	حقوق ذینفعان در برنامه‌درسی پست‌مدرن
۱۷۵	کمپنه‌های برنامه‌درسی پست‌مدرن
۱۷۵	چگونگی گذر از تجدید برنامه‌درسی
۱۷۸	چالش‌های برنامه‌درسی مدرن
۱۷۸	ایجاد نگرش صحیح به برنامه‌درسی
۱۷۹	برنامه‌درسی معتبر برای دنیای پست‌مدرن
۱۸۰	فردیت‌گرایی یا کثرت‌گرایی در برنامه‌درسی؟
	برخی از اصول راهنمای اولیه برای یک دیدگاه جهانی و محلی یکپارچه برای توسعه برنامه‌درسی در
۱۸۱	دوران پست‌مدرن
۱۸۵	بحث و نتیجه‌گیری
۱۸۹	منابع

پیشگفتار

در این کتاب به بحث توسعه برنامه‌درسی در دوران پست‌مدرن که با رویکردی متوالی مربوط به درمان‌بخشی حرکت موزون باشد، می‌پردازیم. پیچیدگی‌های دنیای مدرن با تفکر عقلانی و توجه همزمان به روابط متقابل بین ذهن و روح امکان‌پذیر است. اندیشمندان حوزه تعلیم و تربیت باید به برنامه‌های توسعه برنامه‌درسی با رویکردی میان‌رشته‌ای، چند فرهنگی، زیست‌شناختی و به‌طور کلی با دیدی جامع توسعه برنامه‌درسی را در نظر بگیرند. چرخه حرکات موزون به رابطه‌ای التقاطی به‌منظور یادگیری، شفا و رشد و شکوفا شدن بستگی دارد. همچنین به ارائه دانسته‌هایم چرخه توسعه برنامه‌درسی به‌منظور دستیابی به سطح بالایی از یادگیری در گرو رشد همه‌جانبه آیت‌های مؤثر در توسعه برنامه‌درسی دارد. همچنین به ارائه دانش و پیشینه‌ای از توسعه برنامه‌درسی در دوران پست‌مدرن می‌پردازیم و همچنین به مراحل رشد و توسعه موضوعات فرهنگی و اجتماعی، می‌پردازیم.

در اینجا به ارائه یک طرح یا روش برای توسعه برنامه‌درسی پرداخته‌ایم. خواننده باید روش فلسفی برای توسعه برنامه‌درسی پدید آورد، تا به تکمیل طرح به‌صورت فردی بپردازد، در این کتاب به ارائه چشم‌انداز و یافته‌ها درباره توسعه برنامه‌درسی پرداخته‌ایم که قرن ۲۱ پیچیده و ترکیبی موقتی را پدید آوردند. پست‌مدرن‌ها یک دیدگاه جهانی طرز فکر و حساسیت الکتریکی دارند. پست‌مدرن، تفسیر کوتاه روی موضوعات دنبال شده است، با جزئیاتی از پست‌مدرن شروع کردیم. منتقدان ادعا می‌کنند که پست‌مدرن منجر به فلیسم و خویش‌ن گرایی می‌شود، در مواردی پیامدهای

پست‌مدرنیسم خیلی ناامیدکننده است، منتقدان دیگر قوی بودن را در بازسازی حیاتی گسترده و نقل شده می‌دانند و ترتیب اقتصادی و سیاسی اجتماعی را در بردارد، تعدادی از سطوح افراد را از تکان محفوظ نگه می‌دارد. حتی مشتاقان پست‌مدرنیسم از قبیل ریچارد^۱ درباره‌ی بی‌فایده بودن این تئوری در سال‌های اخیر دچار چالش شده‌اند.

انتخاب کردن تعداد سبک‌ها، تمرین‌های مضاعف‌سازی و میان‌رشته‌ای تشویق شده‌اند، تمام و قسمتی از برهم‌کنش در یک هارمونی دیده شده است. انتخاب کردن در ریشه معماری پست‌مدرن در سال ۱۹۵۰ به خوبی دیده می‌شود، به عنوان نمونه پست‌مدرن چیست؟ موازنه کردن گرچه به صورت غیرقطعی راحت نیست، یک شهروند بر اساس دموکراسی روی شرکت‌کننده‌ها ساخته شده است که اظهاراتی مربوط به ناراحتی همیشگی دارد، سیستم‌های منطقی مربوط به علایق شهروندان برای راحتی داخلی و قابل پیش‌بینی می‌باشد. این معادلات سبب تغییرات اجتماعی و اعمال سیاسی می‌شوند، پیچیدگی و ابهام گسترش نیافته‌اند، یک منبع عالی برای فهم این پدیده ابهامات اخلاقی می‌باشد.

واحدهای تحصیلی از جمله توسعه برنامه‌درسی ابتدایی و متوسطه، نظارت بر برنامه‌درسی، ارزیابی برنامه‌درسی و طرح‌های برنامه‌درسی اغلب به عنوان قسمتی از برنامه‌های مربوطه به مدارک پیشرفته و بخش‌های دانشگاهی مربوط به برنامه‌درسی و ساختارهای آن مورد نیاز است، به طور سنتی از متن‌های گسترده با تأکید بر روی روش شناسایی پژوهش کیفی و کاربرد عملی اهداف برنامه‌درسی مورد استفاده قرار می‌گیرد همچنین عینی، طرح درس‌ها، توالی راهنمایی‌ها و ارزیابی وسایل برای فراهم کردن بازبینی در ناحیه سیاسی و برنامه‌ریزی و طراحی، تکمیل و نظارت بر برنامه‌درسی مدرسه مورد استفاده قرار می‌گیرد. اغلب متون فراگیر در گذشته شامل رویکردهای فلسفی غالب در توسعه برنامه‌درسی می‌باشد، بعد از این رالف تایلر کتاب تأثیرگذار را در زمینه اصول اساسی برنامه‌ریزی درسی نوشت که شامل زمینه‌های مربوط به برنامه‌درسی بود و منتشر شد. تایلر معتقد است که تنها روش در دسترس برای مکتب‌ها و معلمان همین (رویکردهای غالب در برنامه‌درسی) می‌باشد، در حالی که به کمک‌های تاریخ احترام می‌گذارد که به توسعه برنامه‌درسی در پست‌مدرن کمک کرده است، در حقیقت فلسفه‌های پست‌مدرن اغلب جایگزین مدل‌های سنتی در توسعه برنامه‌درسی می‌باشد.

1. Richard Rorty

کتاب نوشته شده توسط تایلر اغلب به وسیله کسانی مورد استفاده قرار می گیرد که واحدهای تاریخی، سیاسی یا تئوریکی را آموزش می دهند، در سال ۱۹۹۰ نزاعی مهم بین معنی، هدف و معنی و ساختار برنامه درسی در عقاید اساتید دانشگاهی وجود داشت و مجموعه های مختلفی وجود داشت که تعدادی از آنها در گروه های محلی در ارتباط با برنامه های ویژه یا کتاب های مورد استفاده در مدارس در پارامترهای بین المللی سبب تغییر در فلسفه تحصیلی می شود و متون مربوط به برنامه درسی را پدید می آورد.

ویلیام^۱ (۱۹۸۸) مفهومی کردن مطالعات برنامه های درسی را در زمینه رویکردهای غالب برنامه درسی توصیف می کند. زمینه برنامه درسی دستخوش تغییرات زیادی است، مفهومی شده و طی بیست سال گذشته این اتفاق افتاده است، از زمینه های مربوط به توسعه و مدیریت برنامه درسی با انواع مکتب ها در چندین بعد مربوط به برنامه درسی در ارتباط می باشد، این ابعاد شامل موضوعات توسعه و مدیریت می باشد، به هر جهت این ها از بین پدیده های سیاسی، مربوط به جنسیت و دیگر وسیله ها می باشد. این زمینه های مفهومی از بحث های زیادی در سطح دانشگاهی نتیجه می شود، اکنون به سمت تحصیلات موزه ای (مدرسه ای)، محدودیت های مدرسه و عناصر و کلاس های ابتدایی و متوسطه را نیز شده است.

این کتاب علاوه بر ارائه چشم اندازی مفهومی در پست مدرن در توسعه برنامه درسی به بررسی و جست و جوی راهی جهت ایجاد دیدی جامع در حوزه توسعه برنامه درسی است. قبل از اینکه به رویکردهای این کتاب که برنامه درسی را مورد خطاب قرار می دهد، برسیم، ضروری است که موارد مهم برنامه درسی را ذکر کنیم که زمینه های برنامه درسی را مورد خطاب قرار می دهند به هر جهت امیدوارم این کتاب برنامه درسی که در بالا توصیف شده است را مورد خطاب قرار دهد، بدون این چشم اندازها مشکلاتی برای فهم آنچه کتاب درباره توسعه برنامه درسی در پست مدرن وجود دارد هست.

پژوهش و بررسی خلاصه صد متن اطلاعاتی درباره دانشجویان فارغ التحصیل و مکتب فراهم کرده است و چشم اندازی عمیق و متفاوت از مکاتب تحصیل که پژوهش های جدیدی از مکاتب پست مدرن به دست می دهد.

بخش اول

توسعه برنامه ریزی درسی به عنوان زمینه‌ای از مطالعه

مقدمه

پزشک کارل هامرشلگ^۱ در کتابی جذاب با عنوان شفا دهندگان حرکات موزون در مورد مواجهه خود با حلقه حرکات موزون می‌نویسد.

کوین کاستنر در فیلم خود حرکات موزون با گرگ‌ها اجرا می‌کند (۱۹۹۰) او با ایجاد مفهوم جایگزینی این مدل اجتماعی را به چالش می‌کشد که در آن یک سواره‌نظام آمریکایی را به تصویر می‌کشد که به تنهایی در دورترین پاسگاه در مرز شمالی مستقر شده است. هنگامی که سواره‌نظام در اوایل فیلم با یک قبیله کوچ‌نشین سیوها^۲ مواجه می‌شود، مظهر استعاره مدرن است: منزوی، مستقل و ناامن. او سعی می‌کند به محیط دستور دهد تا کنترل نیروهای غیرقابل پیش‌بینی مرز را به حداکثر برساند، اما تنها زمانی از مرگ حتمی نجات پیدا می‌کند که امنیت قلعه خود را رها کند و در مقابل آتش با گرگ حرکات موزون اجرا کند. این سواره‌نظام تنها، تبدیل و دگرگونی را تجربه می‌کند زیرا به تدریج از نظر

1. Karl Hammerschlag

2. Sioux

روحي با سيوکس متحد مي‌شود. سرباز همان چيزي را از سيوها^۱ مي‌آموزد که هامر شلاگ از پوئبلو^۲ آموخته است، که همان حرکات موزون شفا بخش معنوي بومي است.

در اين کتاب، استدلال مي‌کنيم که توسعه برنامه آموزشي در دوران پست‌مدرن بايد به اين حرکات موزون شفا بخش، مارپيچ خلقت و اشتياق براي خرد نهفته در روابط متقابل بدن، ذهن و روح توجه داشته باشد. مربيان بايد حرکات موزون برنامه آموزشي شفا بخش را بشناسند و از آن استقبال کنند و ابعاد عرفاني، چند فرهنگي، ميان رشته‌اي، اجتماعي، زيست‌محيطي و کل‌نگر برنامه‌درسي مدرسه را گرامي بدارند (اسلاتري^۳، ۱۹۹۲). حرکات موزون به اين رابطه متقابل التقاطي بستگي دارد تا يادگيري، شفا و رشد شکوفا شود.

اين کتاب را با روايت هامر شلاگ آغاز مي‌کنيم. به آن‌ها پيشنهاده مي‌کنيم که مي‌توانيم فلسفه را به آن‌ها بياموزيم، اما آن‌ها بايد به صدای خود گوش دهند و به روش منحصر به فرد خود اقدام کنند. به عنوان يک نويسنده و معلم، از سانتياگو پيروي مي‌کنيم که گفت: «مي‌توانم قدم‌هايم را به تو بياموزم، اما تو بايد موسيقي خودت را بشنوي». در اين کتاب درک خود را از توسعه برنامه‌درسي، پست‌مدرنيسم و ديگر مسائل فرهنگي و اجتماعي ارائه خواهيم کرد. گام‌هايمان را به شما نشان خواهيم داد، اما شما بايد موسيقي خود را بشنويد و حرکات موزون برنامه‌درسي خود (مبني بر زمان و مکان خود) را بسازيد.

اين کتاب عمداً با عنوان توسعه برنامه‌درسي در دوران پست‌مدرن و نه توسعه برنامه‌درسي پست‌مدرن يا روش‌هاي برنامه‌درسي و آموزش پست‌مدرن نام‌گذاري شده است. در اينجا طرح يا روشي براي توسعه برنامه‌درسي ارائه نمي‌کنيم. هر خواننده بايد به‌طور جداگانه يک فلسفه توسعه برنامه‌درسي و يک طرح اجرايي ايجاد کند. در اين کتاب ديده‌گاه و درک توسعه برنامه‌درسي را ارائه خواهيم کرد که در دوره معاصر که بسياري آن را 'دوران پست‌مدرن' مي‌نامند ظهور کرده است. به دنبال کشف و درک توسعه برنامه‌درسي در دنياي چالش‌برانگيز و پيچيده معاصر قرن بيست و يکم هستيم.

۱. نام يک قبيله سرخ‌پوست در کانادا است که هميشه با قبايل ديگر براي حقوق قلمرو مبارزه مي‌کردند.

2. Pueblo

3. Slattery

پست‌مدرنیسم را یک دیدگاه جهانی، یک دوره تاریخی، یک نگرش و یک حساسیت زیبایی‌شناختی التقاطی نامیده‌اند. منتقدان، پست‌مدرنیسم را دیوانگی نسبی‌گرایی، اصطلاحات زبانی پوچ‌گرایانه، بی‌معنی، ویرانگر ارزش‌های غربی و بدتر از آن نامیده‌اند. اگرچه این نقدها ممکن است تا حدی اعتبار داشته باشند، اما دریافته‌ایم که گفتمان‌های پست‌مدرن در تفکر درباره توسعه برنامه‌درسی بسیار مفید بوده است. بیاپید ایده‌های پست‌مدرن را با هم در این متن بررسی کنیم و سپس تصمیم بگیریم که آیا شما نیز درک عمیق‌تری درباره برنامه‌درسی و آموزش در فلسفه پست‌مدرن پیدا می‌کنید یا خیر.

بسیاری از دانشجویان، همکاران و داوران پیشنهاد کرده‌اند با مروری بر پست‌مدرنیسم و تأملی در اصطلاحات پیچیده‌ای که خوانندگان در این کتاب با آن مواجه خواهند شد، آغاز کنیم. ویلیام پینار (۲۰۰۴) برای گفتگوهای پیچیده در زمینه برنامه‌درسی در کتاب «نظریه برنامه‌درسی چیست؟» تفسیر قوی در مورد برخی از ایده‌های اصلی این کتاب معرفی می‌کنیم: که شامل پست‌مدرنیسم، ساختارشکنی، هژمونی، هرمنوتیک، سیاست هویت، بوم‌شناسی و زیبایی‌شناسی است. در این مقدمه اساساً بر پست‌مدرنیسم و ساختارشکنی تمرکز خواهیم کرد و به دنبال آن توضیحاتی کوتاه در مورد موضوعات دیگر ارائه خواهیم کرد. البته تمام این موضوعات در طول کتاب به‌طور گسترده موردبررسی قرار خواهند گرفت. با بحث مفصلی از ساختارشکنی و پست‌مدرنیسم شروع می‌کنیم.

ساختارشکنی یک مکتب فلسفی است که در دهه ۱۹۶۰ در فرانسه سرچشمه گرفت و تأثیر بسیار زیادی در نقد ادبی و تحلیل اجتماعی داشته است و از بسیاری جهات سنت متافیزیکی غربی را دگرگون می‌کند. یکی از حامیان اصلی ساختارشکنی، ژاک دریدا^۱ است که می‌نویسد: «من کاملاً در مورد این واقعیت صریح بودم که هیچ‌چیز از آنچه گفتم معنای مخربی ندارد». واژه ساختارشکنی ربط به تخریب ندارد. به این معنا که (یک ضرورت نقد به معنای کلاسیک کلمه است) هوشیار بودن نسبت به پیامدها، به رسوب تاریخی زبانی که به‌کار می‌بریم و این به معنای تخریب نیست. دیگرانی که با این جنبش مرتبط هستند (اگرچه برخی ممکن است با برچسب‌های اعمال‌شده به آن‌ها

مخالفت کنند). ساختارشکنی پاسخی پیچیده به انواع جنبش‌های نظری و فلسفی قرن بیستم، به‌ویژه پدیدارشناسی هوسرل، ساختارگرایی سوسور و بعداً فرانسوی و روان‌کاوی فروید را نشان می‌دهد.

دانش‌آموزان و دانش‌پژوهان ممکن است از روش‌های ساختارشکنی برای نزدیک شدن به هر متنی (یک مصنوع نوشتاری، ترکیب موسیقی، اجرای نمایشی، چیدمان هنری، فرهنگ بصری، فناوری و رسانه، داستان، غیرداستانی، تاریخ، کتاب درسی یا فیلم) استفاده کنند.

در اینجا چند راه برای استفاده از ساختارشکنی وجود دارد:

مشکل‌سازی: با افشای تناقض‌های درونی، حذف‌ها، اضافه‌ها، ابهام‌ها و بی‌عدالتی‌ها، متن را در سطوح مختلف مشکل‌ساز کنید.

بازجویی: پژوهش‌ها، نگرانی‌ها و سؤال‌هایی را مطرح می‌کند که باعث می‌شود خواننده / بیننده / شنونده پیش‌فرض متن را دوباره ارزیابی کند.

وقفه: ادراک‌های رسوب‌شده، تعصب‌های عمیق و ریشه‌های ناخودآگاه آن‌ها را آشکار کنید و خواننده / بیننده / شنونده را مجبور کنید که مکث کرده و تجدیدنظر کند.

زمینه‌سازی: استدلال‌ها را از منظر نژاد، طبقه، جنسیت، مذهب، فرهنگ، توانایی، زبان، سن، قومیت و ملیت به‌منظور درک نیروهای پیچیده‌ای که یک متن را شکل می‌دهند و تحت تأثیر قرار می‌دهند، ارزیابی و تحلیل کنید.

چالش: ارزیابی مجدد فرض‌های پنهان و آشکار و حذف هدفمند در بازبینی متن در پرتو ترتیب‌های اجتماعی سیاسی، فرهنگی و اقتصادی وضعیت موجود باشید.

جنبه تاریخی: متن را در زمینه‌های تاریخی، فرهنگی، ریشه‌شناختی، اجتماعی سیاسی و کلامی قرار دهید.

آشکار کردن: عدم تقارن روابط قدرت و تأثیر آن بر افراد، فرهنگ‌ها، جوامع، محیط‌زیست و زندگی انسانی و غیرانسانی را مشخص کنید.

درگیر کردن: برای رهاسازی تخیل و تصور احتمال‌های / خواندن متناوب متن یا پاسخ‌های ناخودآگاه نویسنده (ها) و خواننده (ها)، بازنمایی‌های زیبایی‌شناختی متن را پیش‌زمینه کنید.

مشکل: ایجاد ناهماهنگی و ناراحتی فکری و عاطفی به‌منظور تشویق به پژوهش‌های بیشتر و اقدام اجتماعی.

برانگیختن: برانگیختن واکنش‌های عاطفی و فکری که باعث می‌شود خواننده / بیننده / شنونده برای پیامدهای اجتماعی مثبت و رشد فردی تأمل کند، بسنجد و عمل کند (دریدا، ۱۹۸۹).

یک مقاله عالی در مورد ساختارشکنی توسط مارک سی تیلور (استاد فلسفه در کالج ویلیامز)، پس از مرگ دریدا (۲۰۰۴) نوشته شده است. تیلور، فیلسوف و متکلم مهم پست‌مدرن می‌نویسد که:

کار آقای دریدا برای افرادی که به بیت‌های صوتی و نظرسنجی‌های شبانه معنادار هستند، به طرز ناامیدکننده‌ای مبهم به نظر می‌رسد. غیرقابل انکار است که نمی‌توان آن‌ها را به راحتی خلاصه کرد یا در یک خط نوشت. باین حال، مبهم بودن نوشته‌های او رمزی را پنهان نمی‌کند که بتوان آن را شکست، بلکه نشان‌دهنده انبوه و پیچیدگی مشخصه همه آثار بزرگ فلسفه، ادبیات و هنر است که سالخورده می‌شوند. هرچه بیشتر با آن‌ها درنگ کنیم، بیشتر چیزهایی در مورد دنیای ما و خودمان فاش می‌کنند. نام آقای دریدا بیشترین ارتباط را با اصطلاح «ساختارگرایی» که اغلب ذکر شده اما به ندرت قابل درک است را دارد. ساختارشکنی که در ابتدا برای تعریف استراتژی برای تفسیر آثار نوشتاری و بصری پیچیده تدوین شد، وارد زبان روزمره شده است. وقتی مسئولانه درک شود، پیامدهای ساختارشکنی کاملاً متفاوت از کلیشه‌های گمراه‌کننده است که اغلب برای توصیف فرایند از بین بردن یا جدا کردن چیزها استفاده می‌شود. بینش راهنمای ساختارشکنی این است که هر ساختاری اعم از ادبی، روان‌شناختی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی یا مذهبی - که تجارب ما را سازمان‌دهی می‌کند، از طریق اعمال طردشده ساخته و حفظ می‌شود. در فرایند خلق چیزی، چیز دیگری که اجتناب‌ناپذیر است کنار گذاشته می‌شود. این ساختارهای انحصاری می‌توانند سرکوبگر شوند و این سرکوب عواقبی هم دارد. آقای دریدا به شیوه‌ای که یادآور فروید هم هست، اصرار می‌ورزد که آنچه سرکوب می‌شود ناپدید نمی‌شود، بلکه همیشه برمی‌گردد تا هر ساختاری را، صرف‌نظر از اینکه چقدر امن به نظر می‌رسد، بر هم می‌زند.

این همان نتیجه‌ای است که زیگموند باومن، اخلاق شناس پست‌مدرن در کتاب اخلاق پست‌مدرن (۱۹۹۳) به آن رسیده است. «همبستگی با دیگری» موضع رادیکال پست‌مدرن برای غلبه بر پوچ‌گرایی و مکتب جدلی است. اگرستانسیالیست (رشته‌ای از مکتب هستی‌گرایی) یهودی‌مارتین بوبر در کتابش «من و تو» چارچوبی برای این موضع ایجاد کرد. این مفهوم مهمی است که به توضیح فلسفه پست‌مدرن کمک می‌کند، مفهومی که در این کتاب بنیادی است. یکی از اهداف اصلی از نوشتن آن افشا، بررسی و ساختارشکنی دوتایی‌های متضاد و افراط‌های جدلی رقیب - یا آنچه در سراسر این کتاب «انشعاب‌ها» و «دوگانگی» می‌نامیم، است. با دریدا و تیلور موافقیم که تفکر دوگانه بسیار خطرناک است. ثنویت زائیده سنت‌های فلسفی است که باید به چالش کشیده شود. تلاش برای تقسیم جهان به «ما» در مقابل «آنها» جامعه ما را فراگرفته است. به‌عنوان مثال، در مدرسه، ما دائماً کودکان را به دو گروه بالا و پایین، تیزهوشان و کسانی که به کلاس تقویتی نیاز دارند، رشته‌های ورزشی در مقابل رشته‌های آکادمیک تحصیلی، یا دانش‌آموزان سازگار و دانش‌آموزان دارای اختلال رفتاری تقسیم می‌کنیم تقسیم‌بندی بر اساس نژاد، سبک‌های یادگیری، هوش، طبقه اجتماعی، گرایش جنسی یا مذهب، انسان‌ها را به‌طور غیرضروری و غیرمنطقی تقسیم می‌کند و رنج فوق‌العاده‌ای را بر همه ما تحمیل می‌کند.

متأسفانه طرفداران دریدا در چپ و منتقدان دریدا در سمت راست این دیدگاه را اشتباه درک کرده‌اند. بسیاری از مردم تحلیل‌های او و همچنین تأکید او بر اهمیت حفظ تفاوت‌ها و احترام گذاشتن به دیگران را برای ایجاد یک سیاست هویتی که جهان را به قطب‌های مخالفی تقسیم می‌کند که مأموریت او خنثی کردن آن بود، به‌کار گرفتند. با خیانت به بینش‌های دریدا با ایجاد فرهنگ صحت سیاسی، حامیان خود به‌نام او به جنگ‌های فرهنگی دامن زدند که بیش از دو دهه در جریان بوده و همچنان به شکل دادن بحث‌های سیاسی ادامه می‌دهند.

منتقدان معتقدند که دریدا یک پوچ‌گرای مخرب بود که اساس جامعه و فرهنگ غربی را تهدید می‌کرد. با تکیه بر اینکه مخالفان او استدلال می‌کنند که با اصرار بر اینکه حقیقت و ارزش مطلق را نمی‌توان با قطعیت شناخت، او امکان قضاوت اخلاقی را تضعیف کرد. آن‌ها معتقدند پیروی از دریدا به معنای شروع حرکت به سمت پایین شیب لغزنده شک و نسبیست است که به ناگزیر ما را ناتوان از عمل کردن می‌کند. تیلور توضیح می‌دهد:

دریدا استدلال می‌کند که حقیقتِ شفاف و ارزش‌های مطلق از درک ما دوری می‌کنند. بااین‌حال، این بدان معنا نیست که ما باید مقولات شناختی و اصول اخلاقی را که بدون آن‌ها نمی‌توانیم زندگی کنیم، کنار بگذاریم: برابری و عدالت، سخاوت و دوستی. بلکه باید محدودیت‌های اجتناب‌ناپذیر و تناقضات ذاتی را در ایده‌ها و هنجارهایی که اقدامات ما را هدایت می‌کنند، بشناسیم و این کار را به‌گونه‌ای انجام دهیم که آن‌ها را در معرض پرسش‌های مداوم و بازنگری مستمر نگه دارد. هیچ عمل اخلاقی بدون تأمل اخلاقی وجود ندارد. آقای دریدا در دهه آخر زندگی خود به مذهب مشغول شد.

فلسفه ساختارشکنی دریدا ما را به‌طور طبیعی به بررسی پست‌مدرنیسم سوق می‌دهد. همان‌طور که در بالا دیدیم، منتقدان ادعا می‌کنند که به نسبی‌گرایی و پوچ‌گرایی منجر می‌شود. برای برخی بیش‌ازحد بدبینانه و ناامیدکننده است. برخی دیگر در ساختارشکنی انتقادی فراروایت‌های ظالمانه و ترتیبات ناعادلانه اجتماعی سیاسی و اقتصادی قدرت می‌یابند. برخی از التقاط‌گرایی و هم‌پیوندگرایی مذهبی که افراد را از قید تلقین زیبایی‌شناختی یا معنوی رها می‌کند، لذت می‌برند. بااین‌حال، حتی علاقه‌مندان به پست‌مدرنیسم مانند ریچارد رورتی (۱۹۹۷) سودمندی این اصطلاح را در سال‌های اخیر به چالش کشیده‌اند.

نمایش پست‌مدرن به یک هدف بسیار جدی هدایت می‌شود. کلمات زیر ممکن است به توصیف پست‌مدرنیسم کمک کند، حتی اگر تعاریف مبهم و موردبحثی باشند.

التقاطی: بسیاری از سبک‌ها، تعدد و شیوه‌های بین‌رشته‌ای تشویق می‌شوند. اجزاء و کل در هماهنگی عمیق و پویا، حتی در هرج‌ومرج و یا ناکارآمدی ظاهری، با هم تعامل دارند. انشعاب‌ها به نفع یک فلسفه کل‌نگرانه رد می‌شوند. گنجاندن صداها به حاشیه رانده‌شده و خاموش - به‌ویژه از دیدگاه‌های نژادی، اجتماعی اقتصادی، زبانی، مذهبی و فرهنگی، از جمله صدای افراد در سنین، توانایی‌ها، زبان‌ها و مکان‌های مختلف موردنیاز است. التقاط در ریشه‌های معماری پست‌مدرنیسم به بهترین وجه قابل درک است (چارلز جنکس^۱، ۱۹۸۶).

(عدم) تعادل: اگرچه تردید راحت نیست، اما دموکراسی مبتنی بر شهروندی مبتنی بر مشارکت است که خود بیانگر نارضایتی دائمی است. سیستم‌های مدرن، شرکتی و منطقی به تمایل شهروندان برای آسایش درونی و قابلیت پیش‌بینی بستگی دارند. (عدم) تعادل پست‌مدرن پذیرش ناراحتی روانی دائمی به‌عنوان بهترین درک از هوشیاری و آگاهی است. این (عدم) تعادل و (ناراحتی) می‌تواند الهام‌بخش تغییرات اجتماعی و کنش سیاسی باشد. ابهام و پیچیدگی بی‌ثبات‌کننده نیستند، بلکه مولد هستند. یک منبع عالی برای درک این پدیده، کتاب اخلاق ابهام است.

محیطی: پست‌مدرنیسم با بسیاری از محیط‌ها در تعامل است. کیهان‌شناسی است که درون و بیرون، طبیعت و بدن، انسان و غیر انسان و سایر متضادهای ظاهری را در نگرانی برای محیط پرورش‌دهنده فیزیکی و روانی که تخریب را به چالش می‌کشد و پایداری را ارتقا می‌دهد، متحد می‌کند. برای مثال، ماهیت طراحی، بوم‌شناسی، فرهنگ و نیت انسان (برنال دی دی^۱، ۲۰۰۲).

خاطره‌انگیز: پست‌مدرنیسم تداعی‌کننده، دیدگاه‌های متعددی را بدون بررسی بی‌سروصدای مسائل مربوط به خشونت جنسی نژادپرستی، اقتصاد جنگ، فرهنگ عامه، فقر مرگ و سایر زمینه‌های بالقوه نگران‌کننده ارائه می‌کند. تفاسیر تاریخی متعدد و کاوش در امر سیاسی و ناخودآگاه را تشویق می‌کند و برمی‌انگیزد. گاهی به این امر پذیرش «تنش اساسی» در تفسیر گفته می‌شود.

پرانرژی: مانند قدرت انرژی، دائماً در حال تغییر و جابجایی هستیم. ما نه روی زمین محکم، بلکه روی شن‌های متحرک ایستاده‌ایم. بنابراین، ابهام، عدم اطمینان و پیچیدگی به بهترین وجه جهان را توصیف می‌کند. دیدگاه‌های جدید دائماً پدیدار می‌شوند و وضعیت موجود را تخریب یا نقض می‌کنند، که منجر به هرج و مرج‌های بیان‌نشده می‌شود.

زیبایی‌شناسی: از طریق هنر، معماری، موسیقی، نمایش، ادبیات، حرکات موزون و مصنوعات مختلف فرهنگ سنتی، فرهنگ عامه، فرهنگ مقاومت و فرهنگ بومی، به «مناظر یادگیری» جدیدی می‌رسیم که «تخیل را رها می‌کند» و ما را به سمت برابری و عدالت اجتماعی سوق دهد.

معادشناسی: زمان مشروط به گذشته است و آبدستن احتمالات آینده است. «از قبل» و «هنوز» دنیایی از امکانات و امید را ایجاد می‌کند. گذشته، حال و آینده به‌جای تقسیم‌بندی در یک خط زمانی خطی، به‌صورت پویا به هم مرتبط هستند. «هیچ‌چیزی وجود ندارد زیرا گذشته است». زمان تمهیدی است. به‌عنوان مثال، اخلاق و مبانی آموزش؛ آموزش اعتقادات در جهان پست‌مدرن را ببینید.

درگیر شدن: هر شرکت‌کننده نتیجه پروژه یا مطالعه را شکل می‌دهد. بر اساس ماهیت اصل عدم قطعیت هایزنبرگ، ناظر وضعیت واقعی آزمایش را تعیین می‌کند. با افزایش دقت یک عنصر از یک کمیت قابل اندازه‌گیری، اطمینانی که با آن می‌توانیم کمیت‌های دیگر را اندازه‌گیری کنیم، کاهش می‌یابد. ما در (باز) آفرینی آثار هنری شرکت می‌کنیم. پست‌مدرنیست‌ها بر این باورند که هنرها زمانی زنده می‌شوند که ناظران آن‌ها را به‌صورت تخیلی درگیر کنند.

هستی‌گرایی: پست‌مدرنیسم به دنبال یادگیری موقعیتی / زمینه‌ای است که در هستی مقدم بر ذات استوار است. بر اساس روحیه هنری دیوید ثورو و جان دیویی، راه غلبه بر بیماری، بیدار و زنده‌بودن است. ما درواقع کاملاً آزاد و کاملاً مسئول هستیم. **بیانی:** اشکال بصری مشابه پاسخ‌های عاطفی هستند که احساسات را برمی‌انگیزند. پاسخ‌گویی منجر به فرایند تحول می‌شود. ما باید فرصت‌هایی برای برخوردهای بیانی ایجاد کنیم.

نمو: یک فرایند مستمر گفتگو و تعامل بین متضادهای ظاهری به‌جای تقسیم‌های ایستایی وجود دارد. ساختارشکنی منجر به بررسی مستمر مفروضات می‌شود که تفاسیر خود را بر اساس آن‌ها استوار می‌کنیم.

تجربی: فلسفه فرایند به ما کمک می‌کند تا بفهمیم چگونه با کیهان‌شناسی سیستم باز درگیر شویم. این تمایل امتحان سبک‌های جدید و رویکردهای مختلف را تقویت می‌کند. تأثیرات حاصل از تجربیات حسی و ناخودآگاه به واقعیت‌های تخیلی جدید منجر می‌شود. اشکال مختلف نمایندگی تشویق و حمایت می‌شوند، اشکال جایگزین ارزیابی و کاوش بررسی می‌شوند و تمایل به ریسک و بداهه‌گویی تشویق می‌شود.

ضد آنتروپی: کیهان‌شناسی سیستم‌های باز به‌جای کیهان‌شناسی سیستم بسته، تعامل را در فراسوی مرزها ترویج می‌کند. گذرگاه‌های مرزی بر اثر تضعیف‌کننده

سیستم‌های بسته غلبه می‌کنند. رویکردهای فرارسمی مولد هستند و بر آنتروپی (واحد اندازه‌گیری ترمودینامیک) غلبه می‌کنند.

سرگرم‌کننده: پست‌مدرنیسم طنز، کنایه‌آمیز، متنوع و خود انتقادی و به ظرافت‌های تفاوت حساس است. شما را غافلگیر می‌کند تا بتوانید با کنایه‌ها درگیر شوید، ابهامات را دریابید و جملات بی‌معنی و پوچ را بررسی کنید. پست‌مدرنیسم از استعاره و کنایه برای بیان دیدگاهی نبوی و برانگیختن کنش جامعه استفاده می‌کند. این‌ها برخی از کلمات و عباراتی است که نگرش پست‌مدرن و درک پست‌مدرن از ساختارشکنی را توصیف می‌کنند. اگرچه این ایده‌ها جامع یا همه‌گیر نیستند، اما بحث در مورد توسعه برنامه‌درسی را در سراسر این کتاب شکل می‌دهند.

دوره‌های تحصیلات تکمیلی مانند توسعه برنامه‌درسی ابتدایی و متوسطه، نظارت بر برنامه‌درسی، ارزیابی برنامه‌درسی و برنامه‌ریزی درسی اغلب به‌عنوان بخشی از برنامه‌های پیشرفته در بخش‌های برنامه‌درسی و آموزشی دانشگاه موردنیاز است. به‌طور سنتی، اساتید از یک کتاب درسی تلفیقی (جامع) با تأکید بر روش‌شناسی پژوهش کمی و کاربرد عملی اهداف برنامه‌درسی، مقاصد، طرح درس، راهنمای محدوده و ترتیب و ابزار ارزشیابی برای ارائه یک دید کلی از حوزه‌های سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و طراحی، اجرا و نظارت بر برنامه‌درسی مدرسه استفاده کرده‌اند. اکثر کتاب‌های درسی تلفیقی در گذشته با توسعه برنامه‌درسی رویکرد فلسفی غالب به نام منطق تایلر، پس از کتاب تأثیرگذار رالف تایلر، اصول اساسی برنامه‌درسی و آموزش، که از زمان انتشار آن بر حوزه برنامه‌درسی مسلط بوده، سازگار بوده‌اند. در واقع، خود کتاب راهنمای تایلر اغلب به‌عنوان مطالعه تکمیلی توسط اساتید متعهد به منطق مورد استفاده قرار گرفته است و در برخی مواقع تقریباً قد و قامت یک نماد در زمینه مطالعات برنامه‌درسی به خود گرفته است. بنابراین، چندین نسل از دانشجویان فارغ‌التحصیل، معلمان، سرپرستان، مدیران و متخصصان برنامه‌درسی تحت تأثیر منطق تایلر قرار گرفته‌اند و گاه به این باور تلقین شده‌اند که این تنها مفهوم قابل‌اجرا از توسعه برنامه‌درسی است که برای مدرسه و معلمان در دسترس است. گفتمان‌های برنامه‌درسی معاصر درحالی‌که سهم تاریخی رالف تایلر را در توسعه برنامه‌درسی در دوران مدرن تأیید می‌کنند، این فرض را به چالش می‌کشند که رویکرد تایلر باید اساس یا کانون تمام مطالعات برنامه‌درسی باشد.